



A Study on the Role of the Judiciary and Police in Strengthening Societal Law-Abidance for Crime Prevention, with Emphasis on Islamic Jurisprudential Teachings

Amir Ahmadi¹

Abstract

Field and Aims: The fundamental concern of any government and governance is to establish security and comfort in society. Law-abiding behavior, as a core pillar of social order, plays a crucial role in crime prevention. Lack of adherence to law-abidance leads to increased crimes and endangers the security and well-being of people in all aspects of life. Therefore, timely and scientific actions by the judiciary and police in any field can facilitate the establishment of law-abidance. Among various strategies to prevent crime through creating order, the role of police in establishing order and law-abidance is essential. Islamic jurisprudential teachings, emphasizing obedience to divine rulings and just regulations, provide the necessary theoretical and ethical basis for law-abidance.

Method: This research was conducted using a descriptive-analytical method.

Findings and Conclusions: The findings indicate that a linkage between the fair performance of judicial and law enforcement institutions and Islamic teachings can significantly increase crime prevention and law-abidance in Islamic societies. The strategies and actions of the judiciary and police in combating crime, reinforced by appropriate measures grounded in Islamic teachings, play a vital role in realizing the police's role in promoting law-abidance among individuals. One of the key factors influencing the effective role of police is their social crime prevention function, which acts as a roadmap enabling stakeholders to clearly and explicitly fulfill their roles. Police officers, whose behavior is evaluated by citizens, must maintain a strong and effective internal and conscientious relationship with the community. Examining the role of police extends beyond legal frameworks to focus on individual prevention and internal self-control.

Keyword: Law-abidance, Crime prevention, Judiciary, Police, Islamic jurisprudence.

*Citation (APA): Ahmadi, A. (2025). A Study on the Role of the Judiciary and Police in Strengthening Societal Law-Abidance for Crime Prevention, with Emphasis on Islamic Jurisprudential Teachings. *Applied criminology research*, 3(7), 143-168.

https://qacr.ir/article_731310.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: amir.ahmadi@pnu.ac.ir



جستاری در نقش دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری جامعه در پیشگیری از جرم با تکیه بر آموزه‌های فقهی امیر احمدی^۱

چکیده

زمینه و هدف: دغدغه‌ی فکری هر دولت و حکمرانی، ایجاد امنیت و آسایش جامعه است. قانون‌پذیری، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظم اجتماعی، نقش بنیادینی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. از این جهت با عدم رعایت قانون‌پذیری در جامعه با افزایش جرایم و نیز به خطر افتادن امنیت و آسایش مردم در تمام ابعاد زندگی روبه‌رو خواهیم بود. لذا اقدام علمی و به‌موقع دستگاه قضا و پلیس در هر زمینه‌ای می‌تواند در ایجاد زمینه‌های قانون‌پذیری راهگشا باشد. جهت جلوگیری از جرم با استفاده از ایجاد نظم راهبردهای بسیاری وجود دارد، یکی از این راهبردها نقش پلیس در ایجاد نظم و قانون‌پذیری می‌باشد. آموزه‌های فقهی اسلام نیز با تأکید بر لزوم اطاعت از احکام شرع و مقررات عادلانه، بستر نظری و اخلاقی لازم برای قانون‌پذیری را فراهم می‌آورند.

روش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که پیوند میان عملکرد عادلانه نهادهای قضایی و انتظامی با آموزه‌های فقهی، می‌تواند ضریب پیشگیری از جرم و قانون‌پذیری را در جامعه اسلامی به‌طور معناداری افزایش دهد. راهکارها و عملکرد دستگاه قضا و پلیس در راستای مبارزه با جرائم و حل این معضل با تقویت راهکارهای مقتضی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند در تحقق نقش پلیس در قانون‌پذیری افراد جامعه نقش بسزایی داشته باشد. یکی از عواملی که می‌تواند نقش اساسی بر عملکرد نقش پلیس داشته باشد، در واقع نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم، نقشه‌ها راهنمایی هستند که به صاحبان حرف امکان می‌دهد تا نقش‌های خود را به‌روشنی و وضوح کامل ایفا کنند. کارکنان پلیس که رفتار آنها توسط شهروندان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد بایستی از لحاظ درونی و وجدانی رابطه بسیار قوی و اثربخش بین پلیس و جامعه باشد. وقتی نقش پلیس بررسی می‌شود در واقع از محدوده قوانین و مقررات فراتر رفته و بر روی پیشگیری فردی و کنترل درونی فرد متمرکز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قانون‌پذیری، پیشگیری از جرم، دستگاه قضا، پلیس، فقه اسلامی.

استاددهی (APA): احمدی، امیر. (۱۴۰۴). جستاری در نقش دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری جامعه در پیشگیری از جرم با تکیه بر آموزه‌های فقهی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۷)، ۱۶۸-۱۴۳.

https://qacr.ir/article_731310.html

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: amir.ahmadi@pnu.ac.ir



پایداری نظم اجتماعی و تحقق امنیت عمومی، مستلزم وجود نهادهایی است که ضامن اجرای قوانین و مقررات باشند. در این میان، دستگاه قضا و پلیس، ستون‌های اصلی ساختار عدالت کیفری محسوب می‌شوند که مأموریت آنها، نه صرفاً واکنش به جرم، بلکه پیشگیری و ایجاد زمینه‌های قانون‌پذیری در جامعه است از منظر فقه اسلامی، اطاعت از قانون عادلانه و مشروع، نه تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه یک تکلیف شرعی محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۰: ۲۵۳). قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). این آیه، مبنای فقهی الزام به اطاعت از حاکم مشروع و مقررات عادلانه است. قانون‌پذیری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق نظم و امنیت اجتماعی، در مطالعات جرم‌شناسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای دارد (Tyler, 2006: 45).

در نظام‌های حقوقی اسلامی، این مفهوم فراتر از بعد حقوقی، شامل ابعاد فقهی و اخلاقی نیز می‌شود که التزام به قانون را به یک وظیفه شرعی و اخلاقی تبدیل می‌کند و موجب تقویت عدالت اجتماعی و انسجام فرهنگی می‌گردد. در این چارچوب، دستگاه قضا و نیروی انتظامی به عنوان دو نهاد کلیدی نظام عدالت کیفری، نقشی بی‌بدیل در ارتقاء قانون‌پذیری و پیشگیری از جرم دارند.

دستگاه قضا با تکیه بر عدالت قضایی و رعایت موازین اخلاقی و فقهی، می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کرده و بدین‌وسیله زمینه قانون‌مداری و احترام به قانون را فراهم سازد (گودرزی‌فر و دین پرستی، ۱۴۰۳: ۲۶۲; Uslander, 2018). در مقابل، پلیس به‌عنوان نماینده دولت، با رفتار عادلانه و اخلاق‌محور و با پایبندی به آموزه‌های دینی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» می‌تواند مشارکت عمومی در اجرای قانون را افزایش دهد و سرمایه اجتماعی را تقویت نماید (شایگان، ۱۳۸۸: ۷۲).

از منظر فقهی، هدف از تشریح، حفظ مصالح و جلوگیری از مفاسد پیش از وقوع آنها است، از این جهت تأکید بر پیشگیری از وقوع جرم پیش از مجازات در مصادیقی از جمله قاعده لاضرر و نهی از منکر و نظیر این موارد ریشه دارد (خویی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸۱ و ج ۳: ۲۰۴؛ خمینی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۶۸). لذا این موارد فرصت مناسبی برای اصلاح ساختاری نظام کیفری فراهم می‌آورد که در سیاست‌های کیفری معاصر قابل بهره‌برداری است. بنابراین، شناخت دقیق نقش و عملکرد دستگاه قضا و پلیس با رویکرد فقهی، می‌تواند راهگشای بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم و افزایش قانون‌پذیری در جامعه باشد.

تعامل و هماهنگی میان دستگاه قضا و پلیس از جمله مؤلفه‌های کلیدی در تقویت قانون‌پذیری جامعه محسوب می‌شود. قضا با اعمال نظارت قانونی و اجرای عدالت و پلیس با ارائه امنیت و پیشگیری عملی از وقوع جرم، نقش مکمل یکدیگر را ایفا می‌کنند (Pourshariati, Shafiei, & Ziabari, 2023: 6-7). آموزه‌های فقهی نیز بر ضرورت اطاعت از قوانین و جلوگیری از فساد و بی‌نظمی تأکید دارند و مشروعیت و تقویت اعتماد عمومی را به عنوان عامل اصلی موفقیت عملکرد این نهادها مطرح می‌کنند (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۳۴). مطالعات تجربی نشان می‌دهند که سطح همکاری و هماهنگی بین این نهادها با میزان قانون‌پذیری شهروندان رابطه مستقیم دارد؛ شهروندانی که عملکرد نهادهای قضایی و

انتظامی را منصفانه و شفاف ارزیابی می‌کند، تمایل بیشتری به رعایت قوانین دارند (عزیزی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۱۴؛ Tyler & Huo, 2002: 56).

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در جوامع اسلامی، تأکید بر آموزه‌های دینی و فقهی باعث مشروعیت‌بخشی به عملکرد قضا و پلیس شده و اثرگذاری آن‌ها در ارتقای قانون‌پذیری افزایش می‌یابد، در حالی که در برخی نظام‌های غربی، تأکید بیشتر بر کارایی قانونی و کنترل اجتماعی است (Eurobarometer, 2023: 14). بر این اساس، طرح مسئله پژوهش بر تحلیل چگونگی تعامل و همکاری این نهادها در راستای تقویت قانون‌پذیری تمرکز دارد و زیر سؤال‌هایی همچون؛ نقش آموزه‌های فقهی در مشروعیت عملکرد، سهم هر نهاد در ارتقای خودکنترلی شهروندان و چالش‌های عملی در هماهنگی میان دستگاه‌ها را بررسی می‌کند.

با این حال، سؤال اصلی این است که دستگاه قضا و پلیس چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی نقش مؤثری در تقویت قانون‌پذیری و پیشگیری از جرم ایفا کنند؟ چه راهکارهایی مبتنی بر فقه اسلامی می‌تواند موجب ارتقای کارآمدی این نهادها در تحقق نظم و امنیت اجتماعی شود؟ و نهایتاً، چه موانع و چالش‌هایی بر سر راه تحقق این اهداف وجود دارد؟ هدف این پژوهش، بررسی نقش دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری و پیشگیری از جرم با تکیه بر آموزه‌های فقهی و ارائه راهکارهای عملی برای ارتقاء کارآمدی این نهادها است. با وجود این، چالش‌هایی مانند فساد اداری، ضعف نظارت و بی‌اعتمادی عمومی، می‌توانند مانع از تحقق کامل قانون‌پذیری شوند؛ بنابراین، بررسی نقش دستگاه قضا و پلیس در این زمینه و چگونگی تلفیق آن با آموزه‌های فقهی، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. تعریف عملیاتی قانون‌پذیری

قانون‌پذیری در این پژوهش به عنوان میزان تمایل و رفتار شهروندان به تبعیت از قوانین و مقررات رسمی کشور تعریف شده است، خواه این تبعیت به دلیل باور به مشروعیت آنها باشد، خواه به دلیل ترس از مجازات یا ترکیبی از هر دو. این تعریف، امکان اندازه‌گیری مستقیم رفتارهای مرتبط با قانون‌پذیری را فراهم می‌آورد (Tyler & Huo, 2002: 56). شاخص‌های عملیاتی قانون‌پذیری در پژوهش حاضر شامل موارد زیر است:

(۱) رعایت قوانین اجتماعی و کیفری: میزان پایبندی به قوانین رانندگی، مالیاتی و امنیتی در زندگی روزمره شهروندان (GAMAAN, 2023: p.12).

(۲) اعتماد به دستگاه‌های قضایی و انتظامی: سطح اعتماد شهروندان به پلیس، دادگاه‌ها و قوه قضائیه که تأثیر مستقیم بر پذیرش داوطلبانه قانون دارد (Eurobarometer, 2023: p.14).

(۳) رفتارهای خودکنترلی و پیشگیری از تخلف: اقداماتی که افراد برای رعایت قانون انجام می‌دهند بدون نظارت مستقیم (Tyler & Huo, 2002: 56).

۴) پذیرش مشروعیت قانون و قدرت نظارت نهادی: باور شهروندان به اینکه قوانین عادلانه هستند و نهادهای اجرایی و قضایی توانایی اعمال آن‌ها را دارند (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۳۴).

۲-۱. تعریف عملیاتی پیشگیری اجتماعی از جرم

در این پژوهش، پیشگیری اجتماعی از جرم به معنای مجموعه اقدامات، برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان‌یافته و هدفمند است که با اصلاح شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی، زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند. این نوع پیشگیری تمرکز خود را بر تقویت مهارت‌ها و ارزش‌های شهروندی، افزایش مشارکت اجتماعی و اعمال کنترل غیررسمی اجتماع معطوف می‌کند و هدف آن جلوگیری از بزهکاری پیش از وقوع جرم است (Tilley, 2009: 45). شاخص‌های عملیاتی پیشگیری اجتماعی از جرم در این پژوهش به قرار ذیل است:

- ۱) فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی: برنامه‌های آموزشی در مدارس و محلات برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و آگاهی قانونی نوجوانان و جوانان (چشمه سیماب، ۱۴۰۴: ۳).
 - ۲) مشارکت اجتماعی و مدنی: میزان مشارکت شهروندان در انجمن‌ها، شوراهای محله و فعالیت‌های داوطلبانه پیشگیری از جرم (Eurobarometer, 2023: 22).
 - ۳) حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی: دسترسی به خدمات اجتماعی، اشتغال و برنامه‌های کاهش فقر که زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند (Gamaan, 2023: 15).
 - ۴) نظارت و کنترل غیررسمی اجتماع: میزان نظارت والدین، همسایگان و جامعه بر رفتار اعضای خود و نقش آن در کاهش بزهکاری (Tyler & Huo, 2002: 57).
- با استفاده از این شاخص‌ها، پژوهش قادر خواهد بود اثربخشی برنامه‌های اجتماعی و مشارکت شهروندان در کاهش وقوع جرم و ارتقای قانون‌پذیری را تحلیل کند.

۳-۱. مفهوم قانون‌پذیری از منظر حقوقی و جرم‌شناسی

قانون‌پذیری به معنای التزام داوطلبانه و آگاهانه شهروندان به رعایت مقررات و هنجارهای حقوقی جامعه است (عزیزی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). این مفهوم، از یکسو به اعتبار و کارآمدی نظام حقوقی وابسته است و از سوی دیگر، به باور مردم نسبت به عدالت و مشروعیت مجریان قانون مرتبط می‌شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کرات در اصول ۴، ۶، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ درباره‌ی قانون‌گرایی، مرجع بودن قانون اساسی و سایر قوانین مدونه کشور به‌صراحت اشاره شده است (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۸).

۴-۱. قانون‌پذیری در فقه اسلامی، آیات و روایات

در فقه اسلامی، اطاعت از قوانین عادلانه، ذیل عنوان لزوم اطاعت از احکام شرعی و اوامر حاکم مشروع مطرح می‌شود. فقها بر این باورند که رعایت مقرراتی که از سوی ولی‌فقیه یا حاکم شرع وضع

شده و مخالف شرع نیست، بر همه افراد واجب است (خمينی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۵۰۳). از نظر فقهی، آموزه‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر، وجوب وفای به عهد و حرمت فساد فی‌الأرض، به صورت مستقیم با مفهوم تعهد اجتماعی و قانون‌پذیری پیوند دارند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۵۵). برخی قانون‌گرایی را نه صرفاً به معنای اطاعت ظاهری از مقررات، بلکه به عنوان یک نگرش درونی و پایدار نسبت به ضرورت رعایت قوانین برای حفظ نظم اجتماعی و امنیت جمعی تعریف می‌کنند. لذا معتقدند که بر اساس یافته‌های پژوهش، جهت‌گیری مذهبی درونی نقش پررنگی در ارتقای قانون‌گرایی ایفا می‌کند؛ یعنی جوانانی که باورهای دینی را به‌طور عمیق و درونی پذیرفته‌اند، بیشتر تمایل دارند قوانین را حتی در غیاب نظارت مستقیم رعایت کنند (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۸). در قرآن کریم و روایات اسلامی، تأکید فراوانی بر اهمیت اطاعت از دستورات الهی و پرهیز از فساد و ارتکاب جرم شده است. این آموزه‌ها به عنوان مبنای اخلاقی و قانونی در نظام فقهی، زمینه‌ساز ایجاد نظم، امنیت و قانون‌پذیری در جامعه اسلامی هستند.

الف. آیات قرآن

۱) وجوب اطاعت از خدا و پیامبر و اولی‌الامر: خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)

این آیه بر اهمیت اطاعت از خداوند، پیامبر و نیز حاکمان مشروع تأکید دارد که در حفظ نظم و جلوگیری از جرم نقش کلیدی دارند.

۲) نهی از فساد در زمین: خداوند می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶).

این آیه بر پرهیز از فساد و انحراف تأکید دارد که دربرگیرنده رفتارهای مجرمانه و ضد اجتماعی است.

۳) امر به معروف و نهی از منکر: «وَالْقَوْمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۱۱۵).

این دستور، مسئولیت اجتماعی مسلمانان را در حفظ پاکی و قانون‌مداری جامعه نشان می‌دهد.

ب. روایات اسلامی

بر اساس روایات، حتی در حکومت‌های غیرمعصوم، رعایت قوانین عادلانه به‌منظور جلوگیری از هرج‌ومرج و حفظ مصالح عمومی، واجب شمرده شده است. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

«اجعل للناس نصيباً من وقتك وَ نَفْسِكَ وَ اجلس لهم مجلساً عاماً، فتواضع فيه لله الذي خلقك» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

این بیان، نشان‌دهنده لزوم ارتباط مستقیم و عادلانه حاکم با مردم برای تحکیم اعتماد و قانون‌پذیری است.

۱) از امام علی (ع) نقل شده است: «الْعِبَادَةُ لَا تَكْمَلُ إِلَّا بِالطَّاعَةِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱)

عبادت و بندگی تنها در سایه اطاعت تحقق می‌یابد که شامل اطاعت از قوانین الهی و اجتماعی نیز می‌شود.

۲) پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (قشیری نيسابوری، بی تا: ج ۳، ص ۱۴۶۸ حدیث ۱۸۳۷).

بیعت و اطاعت از حاکم مشروع، در نظام اسلامی واجب است و ترک آن زمینه‌ساز هرج و مرج و جرم است.

۳) امام صادق (ع) فرموده‌اند: «النَّاسُ مَعَ أَوْلِيَائِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۶۹)

این بیان نشان‌دهنده اهمیت اطاعت و تبعیت از نهادهای حاکم در حفظ نظم و پیشگیری از فساد است. آیات و روایات فوق بیانگر وجوب اطاعت از خدا، پیامبر و نهادهای مشروع حکومتی و همچنین پرهیز از فساد و جرم هستند. این آموزه‌ها مبنای فقهی قوی برای سیاست‌های پیشگیری از جرم و تقویت قانون‌پذیری در جامعه اسلامی محسوب می‌شوند.

۱-۵. تحلیل حقوقی و فقهی بر اهمیت قانون‌پذیری در کاهش جرم

قانون‌پذیری یکی از بنیادی‌ترین پیش‌نیازهای تحقق نظم اجتماعی و کاهش جرم است که در ادبیات حقوقی و جرم‌شناسی به عنوان شاخص کلیدی سلامت نظام قضایی و اجتماعی شناخته می‌شود (Tyler, 2006: 54). برخی عدم پذیرش قانون از سوی جامعه را، علاوه بر تهدید امنیت و نظم عمومی، موجب تشدید بزهکاری و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود که کنترل آن به مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر است (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ۷).

از منظر فقه اسلامی، قانون‌پذیری نه تنها یک الزام حقوقی بلکه تکلیفی اخلاقی و دینی است. تعالیم فقهی بر التزام به احکام الهی و احترام به حق الناس تأکید دارد که این امر، زمینه‌ساز انسجام اجتماعی و کاهش تعارضات و جرائم می‌شود (خسروی‌سهل‌آبادی، ۱۳۹۵: صص. ۴۸-۶۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۲). در این رویکرد، رعایت قوانین به منزله حفظ عدالت و عدالت‌خواهی است که از اهداف اصلی شریعت محسوب می‌شود و ترک آن باعث فساد و زلزل جامعه می‌گردد.

علاوه بر این، مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که میزان قانون‌پذیری مستقیماً به سطح اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و انتظامی مرتبط است (Tyler, 2006: 60). پلیس با ایفای نقش بازدارنده و ایجاد احساس امنیت، می‌تواند پیش از وقوع جرم در فرآیند پیشگیری نقش اساسی ایفا کند (شایگان، ۱۳۸۸: ۶۲).

لذا هنگامی که شهروندان نسبت به عدالت و پاسخگویی این نهادها اطمینان داشته باشند، تمایل بیشتری به همکاری و رعایت قانون پیدا می‌کنند که این خود موجب کاهش جرم می‌شود. به عکس، نبود اعتماد موجب افزایش نافرمانی قانونی و بی‌نظمی اجتماعی خواهد شد. بنابراین، اهمیت قانون‌پذیری در پیشگیری از جرم را باید از دو منظر ساختاری و فرهنگی مورد توجه قرار داد. از دیدگاه ساختاری، نهادهای قضایی و انتظامی موظفند با عملکرد عادلانه و کارآمد، زمینه‌های اعتمادسازی و التزام به قانون را فراهم کنند. از بعد فرهنگی نیز، آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی و فقهی به‌ویژه در خانواده و مدارس نقش کلیدی در ارتقای قانون‌پذیری دارد. در نهایت، تقویت

قانون‌پذیری نه‌تنها موجب کاهش وقوع جرم می‌شود، بلکه سرمایه اجتماعی را افزایش داده و بستری برای توسعه عدالت و رفاه اجتماعی فراهم می‌کند.

۱-۶. جایگاه دستگاه قضا و پلیس در نظم اجتماعی

نظم اجتماعی به عنوان زیربنای اصلی ثبات و توسعه هر جامعه، متکی بر عملکرد هماهنگ نهادهایی است که ضمن حفاظت از حقوق شهروندان، تضمین‌کننده اجرای قوانین و عدالت باشند. دستگاه قضا و پلیس به عنوان دو رکن کلیدی نظام عدالت کیفری، نقش‌های مکملی در این زمینه ایفا می‌کنند که علاوه بر جنبه‌های قانونی، دارای ابعاد اخلاقی و فقهی نیز هستند.

از منظر حقوقی، دستگاه قضا مسئول تفسیر و اجرای قوانین است و از طریق صدور احکام عادلانه و نظارت بر اجرای قوانین، موجب ایجاد اعتماد عمومی و تقویت قانون‌پذیری می‌شود. اعتماد به دستگاه قضایی، یکی از عوامل مهم در افزایش پذیرش قانون در میان شهروندان است که به کاهش تخلفات و جرایم منجر می‌گردد (Ashworth & Zedner, 2014: 102). تحقیقات نشان می‌دهد که هنگامی که افراد جامعه به عدالت و بی‌طرفی نظام قضایی باور داشته باشند، تمایل بیشتری به رعایت قانون و همکاری با نهادهای انتظامی دارند (Murphy & Tyler, 2008: 660).

نقش پلیس در نظم اجتماعی از طریق پیشگیری، کنترل و مقابله با رفتارهای مجرمانه و ناهنجار جامعه محقق می‌شود. حضور فعال، حرفه‌ای و اخلاقی پلیس در صحنه‌های جرم، احساس امنیت را در جامعه افزایش داده و موجب کاهش نرخ جرم می‌گردد (Brown & Benedict, 2002: 550). تعامل مثبت و احترام‌آمیز پلیس با مردم، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش مشروعیت پلیس و پذیرش اجتماعی وظایف آن است که به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت نظم اجتماعی و امنیت جامعه کمک می‌کند (Sunshine & Tyler, 2003: 520).

نظام اسلامی، دستگاه قضا و پلیس نه‌تنها بر اجرای قانون تأکید دارند بلکه موظف به رعایت عدالت، حفظ کرامت انسانی و پیشگیری از ظلم هستند. آموزه‌های فقهی بر این مبنا استوار است که عدالت و حفظ نظم اجتماعی از اصول اساسی شریعت است که باید توسط این نهادها به نحو احسن رعایت شود (ابراهیم‌زاده، دارابی و نکونام، ۱۴۰۱: ۸۲). چنین رویکردی باعث افزایش مشروعیت و مقبولیت این نهادها در نزد مردم می‌شود و عملکرد آنها را در جهت تقویت نظم و امنیت اجتماعی توجیه می‌کند؛ بنابراین، جایگاه دستگاه قضا و پلیس در نظم اجتماعی ترکیبی از اجرای قانون، تحقق عدالت و ایجاد اعتماد عمومی است که با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی و حقوقی، می‌توان آن را به بهترین شکل تحقق بخشید. رویکردی تلفیقی و علمی در مدیریت این نهادها، بستر مناسبی برای تقویت نظم اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان فراهم می‌آورد.

از این جهت، جایگاه دستگاه قضا و پلیس در نظم اجتماعی ترکیبی از اجرای قانون، تحقق عدالت و ایجاد اعتماد عمومی است که با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی و حقوقی، می‌توان آن را به بهترین شکل تحقق بخشید. رویکردی تلفیقی و علمی در مدیریت این نهادها، بستر مناسبی برای تقویت نظم اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان فراهم می‌آورد.

۷-۱. ضرورت استفاده از آموزه‌های فقهی در سیاست‌های پیشگیری از جرم: رویکردی تحلیلی
پیشگیری از جرم یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌های جنایی در جوامع معاصر است که با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تدوین می‌شود. اگرچه رویکردهای نوین جرم‌شناسی بر پایه نظریه‌های علمی و تجربی استوار است (Goldstein, 2013: 7)، اما در جوامع اسلامی، بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی می‌تواند افقی نو و مؤثر در تقویت این سیاست‌ها ایجاد کند (Brahim. Z, Suud Sarim. K, Andi Istiqlal A, Rina S, and Huseyin O, 2025: 46).

فقه اسلامی با تأکید بر اصل مصلحت عمومی (مصلحه) و دفع مفاسد، چارچوبی جامع برای پیشگیری ارائه می‌دهد (علیدوست، ۱۴۰۲: ۳۰) که از نظر اخلاقی و اجتماعی پشتوانه محکمی دارد. این آموزه‌ها نه تنها به پیشگیری از جرم می‌پردازند بلکه رویکردی کل‌نگر به اصلاح فرد و جامعه دارند که با دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی اجتماعی و روانشناسی تطابق قابل توجهی دارد.

با بررسی برخی پژوهش‌ها میتوان گفت یکی از ابعاد مهم آموزه‌های فقهی، مسئولیت اجتماعی و فرهنگ‌سازی است. دستورهای اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر نقش همگانی در جلوگیری از بروز رفتارهای مجرمانه ایفا می‌کنند که این موضوع می‌تواند از طریق تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی به کاهش جرم کمک کند (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ص ۶). علاوه بر این، مشروعیت و مقبولیت سیاست‌های پیشگیری در جوامع اسلامی ارتباط مستقیم با سازگاری آنها با ارزش‌ها و هنجارهای دینی دارد؛ بنابراین، تلفیق آموزه‌های فقهی با سیاست‌های پیشگیرانه، پذیرش و مشارکت عمومی را افزایش داده و موفقیت این سیاست‌ها را تضمین می‌کند. همچنین، آموزه‌های فقهی بر تقدم پیشگیری بر مجازات تأکید دارند که این رویکرد با فلسفه حقوق کیفری معاصر همسو است و به سمت رویکردهای بازتوانی و اصلاحی هدایت می‌کند (ابراهیم‌زاده، دارابی و نکونام، ۱۴۰۱: ۷۹). این امر به سیاست‌گذاران کمک می‌کند برنامه‌هایی جامع، متوازن و منطبق بر فرهنگ محلی طراحی کنند. در نهایت، استفاده از آموزه‌های فقهی در سیاست‌های پیشگیری نه تنها جنبه دینی و فرهنگی دارد بلکه از نظر علمی و عملی نیز اثربخشی این سیاست‌ها را افزایش داده و موجب ایجاد جامعه‌ای امن‌تر، عادلانه‌تر و همبسته‌تر می‌شود (خادمی، ۱۳۹۸: ۴). رهاورد قانونمندی آسایش، امنیت، توسعه و رشد در جامعه خواهد بود. قانون‌گرایی وسیله‌ای برای محقق شدن نظم اجتماعی در روابط انسان است. از سویی دیگر، جهت‌گیری مذهبی نیز می‌تواند بر نوع رفتار افراد نسبت به قانون اثرگذار باشد (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۸).

۲. پیشینه و یافته‌های سایر پژوهش‌ها

داده‌های تجربی و میدانی در نقش دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری در سایر پژوهش‌ها در مطالعات داخلی و بین‌المللی در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲. مطالعات داخلی

در پژوهش صفرزاده و باباخانی (۱۴۰۰) با عنوان «تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی» نشان می‌دهد که: پیشگیری در نظام اسلامی، ریشه در آموزه‌های فقهی مانند امر به معروف، نهی از منکر و قاعده نفی ضرر دارد و نقش نهادهایی چون قوه قضائیه و پلیس در ارتقای قانون‌پذیری و کاهش جرم، زمانی مؤثر است که بر آموزش، اعتمادسازی و عدالت رویه‌ای استوار باشد.

۲-۲. مطالعات بین‌المللی

الف) ارتباط اعتماد عمومی به پلیس با قانون‌پذیری مطالعه‌ای در نیوزیلند بر روی ۱۲۰۰ نفر نشان داد که اعتماد شهروندان به پلیس مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده تبعیت داوطلبانه از قانون است (Tyler). (Jackson, 2014: 206) هرچه مردم پلیس را صادق، پاسخگو و کارآمد بدانند، احتمال رعایت قوانین حتی بدون نظارت مستقیم بیشتر می‌شود.

ب) اثر آموزش حقوقی در نظام قضایی نروژ، برنامه‌های «دادگاه باز»^۱ که طی آن شهروندان می‌توانند فرآیند دادرسی را مشاهده کنند، باعث افزایش آگاهی عمومی و پذیرش مشروعیت نظام حقوقی شده است (Hammer, 2017: 55). این تجربه نشان می‌دهد که شفاف‌سازی و آموزش عمومی می‌تواند قانون‌پذیری را ارتقا دهد.

ج) مدل پلیس جامعه‌محور در ژاپن تحقیقات نشان داده‌اند که سیستم کوبان^۲ که پلیس در قالب ایستگاه‌های محلی با مردم تعامل روزمره دارد، باعث ایجاد احساس تعلق اجتماعی به قانون و کاهش تمایل به تخلفی از آن شده است (Fukurai, 2019: 89).

۳. اصول راهبردی تقویت نظم و پیشگیری از جرم در آموزه‌های فقهی

فقه اسلامی پیشگیری از جرم را نه تنها وظیفه حکومت، بلکه تکلیف همگانی می‌داند. اصل امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ابزارهای پیشگیرانه در نظام حقوقی اسلام است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۶۷). همچنین، بر اساس قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار فی الإسلام» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۳۴۰)، هر اقدامی که مانع بروز ضرر اجتماعی و جرم شود، مشروعیت دارد.

اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم وقتی رسالت دین، هدایت و راهنمایی انسان و بیرون راندن او از گمراهی‌ها و فتنه‌ها توسط نیروی پلیس باشد، به‌طور قطع پیشوایان دینی به لحاظ وظیفه‌ای که خداوند بر دوش آنان نهاده است باید بکوشند تا این مهم را تحقق بخشند. از این رو است که پیشگیری از انحراف و کژروی و رفتارهای مجرمانه در فهرست وظایف انبیاء و پیشوایان دینی قرار می‌گیرد. امام علی (ع) در مورد شأن حاکم اسلامی بیان می‌کند که: «خدایا تو میدانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبوده، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌پدیده‌ات در امن و امان زندگی کنند. از این رو امام از جمله (حقوق شهروندان بر حاکم) را در جهت صلاح و سعادت

1. Open Court Days
2. Koban System

آنها می‌داند. از این‌رو، در نظام اجتماعی اسلام همواره پیشگیری از وقوع جرم و تقویت نظم و قانون‌پذیری در جامعه، مقدم بر اصلاح بوده و بر این اساس دارای مبنای عقلایی است. بنابراین، این امر مورد قبول همگان به‌خصوص پلیس بوده و از اهتمام حیاتی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد؛ زیرا از اتلاف نیروها، سرمایه‌ها و نسل‌ها جلوگیری می‌کند.

چرا که در صورت عدم اقدامات لازم در جهت پیشگیری از جرم، این وضعیت موجب گستردگی انحراف در جامعه شده که بعدها به سهولت دیگر نمی‌توان مانعی برای توسعه آن را گرفت (خادمی: ۱۳۹۸: ۶).

۴. نقش دستگاه قضا در تقویت قانون‌پذیری

پیشگیری از وقوع جرم، ایجاد امنیت و برقراری نظم در جامعه، گستره وسیعی از اقدامات، سیاست‌گذاری‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در برمی‌گیرد که می‌بایست توسط نهادهای مختلف در بخش‌های گوناگون جامعه اجرا شود. به گونه‌ای که حکومت، دولت و آحاد مردم جامعه، همگی در این امر مهم سهیم‌اند. بر این اساس، هماهنگی میان قوای حکومتی از یک‌سو و مشارکت‌های مردمی از سوی دیگر، در برنامه‌های جلوگیری از جرم ضروری است.

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه وظیفه مهم «جلوگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را بر عهده دارد و باید سازوکارهای لازم را برای انجام این وظیفه ایجاد کرده و اقدامات و فعالیت‌های خود را طبق سیاست‌ها و برنامه‌های مدون انجام دهد. در طرح توسعه قضایی، اصل مهم و بنیادین جلوگیری از جرم جایگاهی اساسی دارد. در اندیشه توسعه قضایی که برگرفته از سیاست جنایی و اصول قضایی اسلام است، اصل بر جلوگیری از ارتکاب جرم است و مجازات مجرمین در مرحله بعد قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از وظایف استراتژیک قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و قانون‌مداری در بین افراد جامعه می‌باشد. بدون شک، این وظیفه و اعمال نظارت بر اجرای قوانین و مقررات و سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از تخلفات و جرایم ایفا کند. با توجه به اهمیت پیشگیری و از آنجا که این امر فرابخشی و فراسازمانی است، لذا در یک برنامه‌ریزی هماهنگ، باید مشارکت کلیه نهادها از جمله پلیس، قوه قضائیه، قوه مجریه و ... را به همراه داشته باشد. در همین راستا، تشکیل معاونت اجتماعی در قوه قضائیه و ایجاد شورای جلوگیری از وقوع جرم زیر نظر دادستان‌ها در برخی شهرهای بزرگ، از جمله اقدامات معدود، اما مفید قوه قضائیه در راستای ایفای نقش قانونی خود بوده است.

در یک جامعه، هر یک از افراد بنا به شرایط و جایگاهی که دارند ممکن است در معرض خطر از سوی مجرمین قرار گیرند که نظارت و کنترل این افراد می‌تواند زمینه و فرصت ارتکاب جرایم را از بین برده یا به حداقل برساند. عدم وجود نظارت منطقی، گاهی در نتیجه بی‌توجهی و حذف نظارت و گاهی به شکل سخت‌گیری‌های بی‌مورد و خشن است که هر دو به نحوی فراهم‌کننده زمینه بزهکاری و بزه‌دیدگی خواهد بود (Cohen & Felson, 1979: 559).

طبق بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه وظیفه جلوگیری از وقوع جرایم را بر عهده دارد. نظارت و کنترل توسط نهاد قضایی به عنوان زیرمجموعه‌ای از کادر نیروی انتظامی که به طور مستقیم امر جلوگیری و کنترل بزهکاران را عهده‌دار است و اتخاذ تدابیر مناسب بر روی اقشار مختلف، نقش بسیار مهمی در کاهش بزهکاری دارد. از این رو، نهادهای قضایی همچون دادسرا، دادگاه و ستاد حفاظت اجتماعی در فرایند مراقبت، کنترل و نظارت می‌توانند همچون نیروهای پلیس ایفای نقش نموده و در تقویت راهبردهای برقراری امنیت و قانون‌مداری هریک از افراد جامعه قابلیت فراوانی دارند. قانون‌پذیری به معنای پذیرش و احترام داوطلبانه افراد نسبت به قوانین جامعه، یکی از اصول بنیادین تحقق نظم و عدالت اجتماعی است. دستگاه قضا، به عنوان نهاد کلیدی اجرای عدالت و تفسیر قوانین، نقش بسیار مهمی در تقویت این فرهنگ ایفا می‌کند. از منظر حقوقی، قضاوت عادلانه و بی‌طرفانه موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌شود که این اعتماد، خود، سنگ بنای اصلی پذیرش قانون است.

هنگامی که مردم دستگاه قضا را عادل، شفاف و کارآمد ببینند، تمایل بیشتری به تبعیت از قوانین خواهند داشت و از رفتارهای ناهنجار و خلاف قانون دوری می‌کنند (Ashworth & Zedner, 2014: 105). دستگاه قضا با اعمال دقیق قوانین، رسیدگی منصفانه به شکایات و تضمین حقوق طرفین پرونده، به تقویت احساس عدالت در جامعه کمک می‌کند (Pourshariati, Shafiei, & Ziabari, 2023: 6). این حس عدالت نه تنها موجب کاهش بی‌اعتمادی و نارضایتی اجتماعی می‌شود بلکه به شکل‌گیری قانون‌پذیری داوطلبانه در میان شهروندان کمک می‌کند (Murphy & Tyler, 2008, 665). با مطالعه برخی پژوهش‌ها باید گفت قوه قضائیه با توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی در راستای آگاهی‌بخشی حقوقی، نقش فرهنگ‌سازی را نیز برعهده دارد. آگاهی عمومی نسبت به حقوق و وظایف قانونی، از عوامل مهم افزایش پذیرش قانون است (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ص ۷).

از منظر فقهی، دستگاه قضا در نظام اسلامی موظف به رعایت عدالت و پرهیز از ظلم است و این وظیفه مقدس، اعتماد مردم به قضاوت را افزایش می‌دهد (قانون اساسی، اصل ۱۵۶؛ خمینی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۸۶). آموزه‌های اسلامی تأکید دارند که عدالت در قضاوت شرط لازم برای تحقق امنیت و ثبات اجتماعی است که زمینه‌ساز تقویت قانون‌پذیری است.

در مجموع، نقش دستگاه قضا فراتر از اجرای صرف قانون است و با ایجاد بستر عدالت، شفافیت و آموزش، فرهنگ قانون‌پذیری را در جامعه نهادینه می‌سازد. بعد از این توضیحات سایر نقشهای دستگاه قضا را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. رسیدگی عادلانه و سریع به جرایم

دستگاه قضا در نظام اسلامی، علاوه بر اجرای عدالت، وظیفه دارد با سرعت و دقت در رسیدگی به پرونده‌ها، اعتماد عمومی را به نظام حقوقی افزایش دهد. از منظر فقه اسلامی، تأخیر در رسیدگی به دعاوی بدون عذر موجه، نه تنها موجب تضییع حقوق مردم می‌شود بلکه خلاف قاعده «لاضرر و لااضرار» است (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۳۴۰). در سیره امیرالمؤمنین (ع) آمده است که در اجرای احکام و رفع ظلم، حتی یک روز تأخیر جایز نمی‌دانستند (نهج البلاغه: خطبه ۲۲۴).

۲-۴. شفافیت در دادرسی و جلوگیری از فساد قضایی

شفافیت فرآیند دادرسی از عوامل کلیدی در افزایش قانون‌پذیری شهروندان است. فقه اسلامی، قاضی را ملزم می‌داند که در قضاوت، بی‌طرف و بر اساس بینه و قسم عمل کند (نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۰: ۲۵۳). همچنین، قاضی باید در معرض نظارت عمومی و پاسخ‌گو در برابر تخلفات باشد تا از فساد قضایی جلوگیری شود.

۳-۴. اجرای احکام شرعی و نقش آن در بازدارندگی

اجرای عادلانه احکام کیفری، به‌ویژه حدود و تعزیرات، در فقه اسلامی نقش بازدارنده مهمی دارد. قرآن کریم درباره اجرای قصاص می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۷۹). این آیه نشان می‌دهد که اجرای عادلانه مجازات، علاوه بر مجازات مجرم، بازدارندگی عمومی ایجاد می‌کند.

۵. نقش پلیس در تقویت قانون‌پذیری

پلیس به عنوان نماینده عینی و عملی دستگاه‌های حاکمیتی، نخستین نقطه تماس شهروندان با نظام عدالت کیفری است و عملکرد آن تأثیر عمیقی بر نگرش مردم نسبت به قانون و قانون‌پذیری دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حتی قوانین عادلانه در صورتی که اجرای آنها توسط پلیس ناعادلانه یا همراه با تبعیض باشد، موجب بی‌اعتمادی و کاهش تبعیت قانونی در جامعه می‌شود (Tyler, 2006).

387)

رفتار پلیس در تعامل با شهروندان، به‌ویژه رعایت اصول عدالت رویه‌ای مانند احترام، بی‌طرفی، شفافیت و امکان بیان نظر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری پذیرش قانون دارد. هنگامی که مردم احساس کنند که پلیس با آنها عادلانه و محترمانه برخورد می‌کند، به طور داوطلبانه قوانین را می‌پذیرند و حتی در مواقعی خود به نهاد پلیس برای حفظ نظم کمک می‌کنند (Murphy & Tyler, 2008).

656)

از منظر روان‌شناختی، قانون‌پذیری مبتنی بر اعتماد است؛ اعتماد به اینکه نهادهای اجرایی، از جمله پلیس، نه تنها قانون را اجرا می‌کنند، بلکه این اجرا را به‌گونه‌ای انجام می‌دهند که حق و حقوق همه افراد حفظ شود. این اعتماد موجب کاهش رفتارهای پرخطر و ناهنجار اجتماعی می‌شود و جامعه را به سمت نظم داوطلبانه هدایت می‌کند (Mazerolle et al., 2013: 345).

علاوه بر این، نقش پیشگیرانه پلیس در فرهنگ‌سازی و آموزش حقوقی، اهمیت فراوانی دارد. حضور فعال پلیس در محله‌ها، ایجاد ارتباط مثبت با شهروندان و بهره‌گیری از روش‌های نوین مانند پلیس محله‌محور، زمینه‌ساز افزایش احساس امنیت و تقویت همکاری مردم در حفظ نظم و قانون‌مداری است (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ۷؛ Hammer, 2017: 55). وظیفه پلیس در حفظ نظم و عدالت، نه تنها مسئولیتی اجتماعی، بلکه تکلیفی شرعی است که اجرای آن سبب گسترش عدالت و جلوگیری از ظلم و فساد می‌شود. پلیس جامعه‌محور با استفاده از مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی در حوزه پیشگیری از جرم، تلاش می‌کند فرصت‌ها و زمینه‌های ارتکاب جرم را کاهش دهد و از وقوع جرم جلوگیری نماید (طالع‌زاری، گلدوزیان و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۰). تأکید فقه بر اخلاق حرفه‌ای و عدالت در عملکرد پلیس، موجب ارتقای جایگاه این نهاد در چشم مردم و تقویت قانون‌پذیری می‌گردد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت قانون‌پذیری در جامعه به عملکرد عادلانه، حرفه‌ای و انسانی پلیس وابسته است. این نقش فراتر از اجرای صرف قوانین است و شامل ایجاد رابطه مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل بین پلیس و شهروندان می‌شود که زیربنای تحقق نظم و امنیت پایدار است.

۵-۱. حضور مؤثر در جامعه و ایجاد احساس امنیت

پلیس به عنوان بازوی اجرایی دستگاه قضا، با حضور مستمر و هدفمند در جامعه، می‌تواند احساس امنیت را در شهروندان تقویت کند. در آموزه‌های اسلامی، امنیت اجتماعی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی شمرده شده و حفظ آن، وظیفه حکومت است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۴۵).

کشورهای مختلف نقش مهمی برای پلیس و نیروهای امنیتی در مبارزه و ایجاد نظم و امنیت و جلوگیری از جرایم قائل می‌شوند، تا آنجا که مرکز بین‌المللی از ابتدای تاسیس مطالعات متعددی در مورد پلیس و همکاری آن با جامعه محلی انجام داده است. بند ۸ ماده ۴ از قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، «پیشگیری از وقوع جرایم» را از وظایف نیروی انتظامی (پلیس) شمرده است. بنابراین اصلی‌ترین وظیفه پلیس در درجه اول پیشگیری از وقوع جرایم بوده و با ایفای نقش خود که همان حضور فعال در جامعه و کشف جرائم است، در کاهش جرایم و در نتیجه برقراری امنیت و قانون‌مندی عملکرد افراد نقش موثرتری می‌تواند ایفا کند. نظارت عملکرد هر یک از افراد جامعه توسط نیروهای پلیسی و امنیتی در نقاط و محله‌های بحرانی که احتمال وقوع جرم بالاست، صورت می‌گیرد. منظور از نقاط بحرانی، مناطقی هستند که سطوح جرم در آنها بالا بوده و هر منطقه به دلیل ویژگی‌هایی که دارد خطر ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد (کلارک و جان، ۱۳۸۸: ۱۴۵)؛ بنابراین حضور فعال پلیس در اماکن و محله‌های شلوغ مثل خیابان‌های پر تردد و مکان‌های عمومی در مرز ارتکاب جرم هستند؛ می‌تواند خطرناک بوده و زحمت ارتکاب جرم را افزایش دهد. اقدامات و تدابیر نظارتی که پلیس می‌تواند در چنین محل‌ها انجام دهد عبارت است از:

افزایش خطر شناسایی «حضور مستمر، فعال و مداوم پلیس سبب کاهش جرایم می‌گردد. گشت‌های پلیس در شهر وضعیت را به نفع بزه‌دیدگان و به ضرر بزه‌کاران تغییر داده و لاقفل در محل حضور آنان از جرم پیشگیری می‌شود که این گشت‌های کنترل‌کننده، رکنی از پیشگیری به حساب می‌آید.

صرف حضور پلیس و گشت‌های پلیسی در برخی از اماکن و در سطح شهرها، خیابان‌ها و محله‌ها برای جلوگیری از وقوع جرم موثر است. مثلاً حضور پلیس، در خیابان‌های شلوغ و اماکن و محله‌های پر جمعیت، از اینکه افراد را در معرض مزاحمت‌ها و تعرضات افراد ارازل و اوباش قرار دهد، مصون نگه می‌دارد.

۵-۲. اقدامات پیشگیرانه و مشارکت مردمی

یکی از راهبردهای اصلی پلیس در پیشگیری از جرم، اقدامات پیشگیرانه غیرکیفری همچون آموزش، هشدار و همکاری با نهادهای فرهنگی است. فقه اسلامی بر اصل «التعاون علی البر و التقوی» (مائده: ۲) تأکید دارد که می‌تواند مبنای مشارکت مردم با پلیس در پیشگیری از جرم باشد. هر نقش اجتماعی با توجه به عرف، سنت‌ها، عقاید، رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز بر همین اساس شکل گرفته و البته ویژگی نظام‌مندی و سازماندهی بدان افزوده شده است. پلیس به حکم وظیفه خود، امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان، جلوگیری از امحای آثار جرم، حمایت‌های مقدماتی از بزه‌دیدگان و تقویت نظم و ارتقای قانون‌مداری بین افراد جامعه را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سال‌هاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته‌اند.

پلیس سازمان امنیتی- انتظامی است که در تمام کشورها، از جمله ایران، وظیفه پیشگیری و قانون‌پذیری از جرایم را بر عهده دارد و بیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری دارای اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش‌دیده و ورزیده‌ای هستند که نقش بسزایی در شکل‌گیری نظم در جامعه دارند.

در مقام وظایف، پلیس اقدامات زیر را انجام می‌دهد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در پیشگیری از جرایم مؤثر است: حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد، دریافت گزارش‌هایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه‌های جرم یا محتمل به بزهکاری، ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و پیشگیری از جرایم، ارائه برنامه‌ها و طرح‌های امن‌سازی محله‌ها و محیط‌های خاص شهری در مقابل مجرمان حرفه‌ای، ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم‌خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذی‌صلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تفکیک جرایم علیه اشخاص، اموال و امنیت (شایگان، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۲). البته در کشورهای مختلف اختیارات و نقش پلیس دارای محدودیت‌های معین و گسترده‌تر از نهاد مشابه آن در سایر کشورها می‌باشد. همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم و نقش پلیس ارائه شود و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه سازمانی مقابله و مبارزه با جرایم نیز محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود (برین، ۱۳۹۴: ۲۳).

۳-۵. رعایت اخلاق اسلامی در برخورد با مردم

رفتار مأموران پلیس با شهروندان، نقشی تعیین‌کننده در میزان تمایل مردم به قانون‌پذیری دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «أحبّ الناس إلى الله أنفعهم للناس» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۳۸۹). رعایت احترام، انصاف و مهربانی در برخورد با مردم، نه تنها وظیفه اخلاقی بلکه یک الزام دینی است که موجب افزایش اعتماد عمومی به پلیس می‌شود.

۴-۵. دادسرا، دادگاه و ستاد حفاظت اجتماعی

دادسرا که وظیفه تعقیب و تحقیق جرایم را برعهده دارد، می‌تواند خطر بزهکاری را برای مجرمین افزایش داده و انگیزه ارتکاب بزه را در آنان کاهش دهد. همچنین با محافظت از افراد در معرض خطر آماج جرم را تقویت کرده و از وقوع جرایم جلوگیری به عمل آید. علاوه بر دادسرا رسالت برقراری نظم و امنیت از طریق از بین بردن زمینه و موقعیت‌های جرم‌زا، برعهده دادگاه نیز قرار داده شده است. صدور قرار بازداشت موقت گاهی از جرائم احتمالی که ممکن است علیه بزهکار از سوی بزه‌دیدگان واقع شود جلوگیری کند. در واقع بازداشت موقت وسیله‌ای برای تامین امنیت و نظم و مصون ماندن بزهکار از انتقام بزه‌دیده یا بستگان اوست (خالقی، ۱۴۰۳: ۲۱۹).

از دیگر نهادهای قضایی که در راستای برقراری نظم و امنیت و قانون‌مداری از جرم می‌تواند موثر باشد ستاد حفاظت اجتماعی است. ستاد اجتماعی در جهت انجام نظارت و حفاظت از جامعه و برای کاهش وقوع جرایم و اخذ اطلاعات صحیح از مردم و احیای سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر و برقراری ارتباط همه اقشار با تشکیلات قضایی تشکیل می‌گردد. آیین‌نامه «ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی» مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۵ در ماده یک تشکیل این ستاد را به جهت حفاظت از جامعه از هر گونه آلودگی، جرم و جنایت و رفع مفاسد در آن دانسته است و در ماده سه نیز جلوگیری از وقوع جرایم، صیانت و اصلاح جامعه و ایجاد نظم را از اهداف آن معرفی کرده است. بنابراین می‌توان گفت که این ستاد به عنوان یک نهاد رسمی قضایی می‌تواند با اعمال برنامه‌های خود موقعیت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و زمینه ارتکاب جرم را از طریق تقویت خودکنترلی جوانان و قانون‌مداری در جامعه ارتقا دهد.

۶. تلفیق آموزه‌های فقهی با عملکرد قضا و پلیس

آموزه‌های فقهی در نظام اسلامی، چارچوبی اخلاقی و حقوقی فراهم می‌آورد که نه تنها به تنظیم رفتار فردی، بلکه به شکل‌دهی نظام عدالت اجتماعی می‌پردازد. دستگاه قضا و پلیس، به عنوان نهادهای اجرایی عدالت و نظم، می‌توانند با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، عملکرد خود را در جهت تقویت قانون‌پذیری، پیشگیری از جرم و برقراری عدالت بهبود بخشند. فقه اسلامی تأکید ویژه‌ای بر عدالت، رحمت، امر به معروف و نهی از منکر دارد که این اصول، پایه و اساس قضاوت و اعمال قانون در جامعه هستند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۵)، هنگامی که عملکرد قضا و پلیس بر این مبانی استوار باشد،

اعتماد و پذیرش مردم نسبت به نظام حقوقی افزایش یافته و قانون‌پذیری تقویت می‌شود (Pourshariati, Shafiei, & Ziabari, 2023: 7) از سوی دیگر، آموزه‌های فقهی در خصوص حفظ کرامت انسانی و پرهیز از ظلم (ابراهیم‌زاده، دارابی و نکونام، ۱۴۰۱: ۸۲) می‌تواند چارچوبی اخلاقی برای رفتار مأموران پلیس و قضات فراهم کند و مانع سوء استفاده‌های احتمالی شود. یکی از اصول اساسی در پیشگیری پلیس جامعه‌محور، رعایت حقوق شهروندان و تعامل اخلاقی با مردم است تا علاوه بر افزایش اعتماد عمومی، از بروز سوء استفاده و تضییع حقوق افراد جلوگیری شود (طالع‌زاری، گلدوزیان و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۲). این تلفیق باعث می‌شود اجرای قانون نه تنها به صورت مکانیکی و صرفاً حقوقی انجام شود، بلکه با روح عدالت و اخلاق دینی همراه گردد. در مجموع، ادغام آموزه‌های فقهی با عملکرد قوه قضائیه و نیروی انتظامی، موجب تحقق عدالت اجتماعی، کاهش جرایم و افزایش مشارکت مردم در حفظ نظم و قانون می‌گردد. این رویکرد، مسیر توسعه یک نظام حقوقی کارآمد و مردم‌محور در جوامع اسلامی را هموار می‌کند.

۱-۶. الگوبرداری از سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع) در قضاوت و اجرای قانون

سیره نبوی و امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان نمونه‌های برجسته حکومت اسلامی، راهنمای عملی و نظری در اجرای عدالت و تقویت قانون‌پذیری هستند. پیامبر اکرم (ص) عدالت را اساس حکومت قرار داد و در برخورد با مردم با رأفت و مساوات رفتار می‌کرد (کلینی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۴۵). امام علی (ع) نیز به دلیل عدالت بی‌نظیر خود، به «قاضی عادل» مشهور بود و در نامه به مالک اشتر تأکید کرد که عدالت و رسیدگی به حقوق مردم را محور حکومت قرار دهد (نهج البلاغه: ۵۳). این آموزه‌ها به دستگاه قضا و پلیس می‌آموزد که عدالت و اخلاق‌مداری شرط اصلی اجرای قانون و افزایش قانون‌پذیری است.

۲-۶. ترویج فرهنگ قانون‌مداری با آموزش‌های دینی

یکی از مؤلفه‌های مهم در تقویت قانون‌پذیری، آموزش مستمر و فرهنگ‌سازی است. آموزه‌های فقهی با تأکید بر اهمیت رعایت قوانین الهی و حکومتی، می‌تواند در این زمینه نقش محوری ایفا کند (ابراهیم‌زاده، دارابی و نکونام، ۱۴۰۱: ۸۰). آموزش‌های دینی در مساجد، مدارس و رسانه‌ها به افزایش آگاهی حقوقی و شرعی مردم کمک می‌کند و موجب می‌شود مردم نسبت به قانون‌پذیری حساس‌تر شوند.

۳-۶. تطبیق با نظریه‌های جرم‌شناسی کاربردی

رویکردهای جرم‌شناسی مدرن بر ضرورت بازدارندگی، اصلاح و مشارکت اجتماعی تأکید دارند (Braga & Weisburd, 2019: 193). آموزه‌های فقهی نیز با اصولی چون امر به معروف و نهی از منکر و حفظ مصالح عمومی، می‌توانند با این نظریه‌ها هم‌راستا شده (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۵)، و عملکرد قضا و پلیس را در پیشگیری از جرم کارآمدتر سازند. این تلفیق علمی و دینی، بستر ایجاد نظام کیفری اسلامی کارآمد را فراهم می‌آورد.

۷. مقایسه عملکرد دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری در جوامع اسلامی و سایر نظام‌های حقوقی

در جوامع اسلامی، عملکرد دستگاه قضا و پلیس در تقویت قانون‌پذیری جامعه، ریشه در آموزه‌های دینی و فقهی دارد که بر مبنای اصولی چون عدالت («إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»، (نحل: ۹۰)، و جوب اطاعت از اولی الامر (نساء: ۵۹) و نهی از فساد (قصص: ۷۷) بنا شده است (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

در این رویکرد، قانون‌پذیری نه صرفاً یک الزام حقوقی، بلکه تکلیف شرعی و اخلاقی محسوب می‌شود و پلیس و قوه قضائیه نقش ضامن اجرای این تکلیف را دارند. می‌توان گفت پیوند گفتمان دینی با اقدامات قضایی و انتظامی، در افزایش مقبولیت قوانین و کاهش مقاومت اجتماعی در برابر آن‌ها می‌تواند مؤثر باشد.

در مقابل، در نظام‌های حقوقی غربی - به‌ویژه مدل‌های لیبرال - مشروعیت قانون عمدتاً بر مبنای قرارداد اجتماعی و رضایت عمومی شکل می‌گیرد (Rawls, 1999: 214). پلیس و دستگاه قضا در این کشورها با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی و تفکیک نهادی، سعی در جلب اعتماد عمومی دارند (Tyler & Huo, 2002: 56). داده‌های تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهای اسکاندیناوی، اعتماد نهادی به پلیس بالاتر از ۸۰ درصد است که این خود عامل کلیدی در سطح بالای قانون‌پذیری شهروندان محسوب می‌شود (Eurobarometer, 2023).

در حالی که در کشورهای اسلامی، عنصر دین و فقه به عنوان ابزار تقویت‌کننده مشروعیت قانونی ایفای نقش می‌کند، در نظام‌های غربی این جایگاه را اصول دموکراتیک، پاسخگویی نهادی و مشارکت شهروندی پر کرده‌اند.

با این حال، پژوهش‌های تطبیقی (Huq, Tyler, & Schulhofer, 2011: 45) نشان داده است که در هر دو دسته نظام، احساس عدالت رویه‌ای و ادراک انصاف، نقش مهم‌تری از سخت‌گیری کیفری در افزایش قانون‌پذیری دارد.

۷-۱. مبانی نظری مقایسه

الف) جوامع اسلامی

در جوامع اسلامی، قانون‌پذیری به‌طور بنیادین بر آموزه‌های دینی و فقهی استوار است. اصل «اطاعت از ولی امر» و حرمت «فساد و افساد» که در آیاتی مانند «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) و «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ ... أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا» (مائده: ۳۳) آمده، که می‌تواند مبنای مشروعیت نهادهای حاکمیتی از جمله قوه قضائیه و پلیس باشد. در ایران براساس بند «۵» از اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه علاوه بر رسیدگی قضایی، مأموریت «هدایت و اصلاح مجرم» را نیز دارد (رحمت‌اله‌پور، ۱۳۹۵: ص. ۶) و پلیس در چارچوب مأموریت «امر به معروف و

نهی از منکر» به ارتقای فرهنگ قانون‌پذیری کمک می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۵؛ شایگان، ۱۳۸۸: ۷۲).

ب) سایر نظام‌های حقوقی (غربی)

در نظام‌های غربی، قانون‌پذیری عمدتاً بر مبنای فلسفه «قرارداد اجتماعی» و «حاکمیت قانون»^۱ تعریف می‌شود (Skogan, 2019: 45). قوه قضائیه در این کشورها اغلب یک مرجع بی‌طرف حل اختلاف و اعمال مجازات است، در حالی که پلیس تمرکز اصلی خود را بر اجرای قانون و حفظ نظم عمومی با استفاده از ابزارهای فناورانه و داده محور مانند پلیس پیشبین^۲ قرار می‌دهد (Goldstein, 2013: 77).

۲-۷. داده‌های تطبیقی

جدول ۱- داده‌های تطبیقی

شاخص	جوامع اسلامی (نمونه: ایران)	سایر نظام‌ها (نمونه: آمریکا، فرانسه)
مبنای قانون‌پذیری	آموزه‌های فقهی و آیات قرآن (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۱)	قانون عرفی و اسناد حقوقی (Skogan, 2019: 45)
رویکرد قوه قضائیه	اصلاح و هدایت و مجازات (رحمت‌اله‌پور، ۱۳۹۵: ۶)	حل اختلاف + مجازات (Goldstein, 2013: 78)
رویکرد پلیس	امر به معروف و پیشگیری فرهنگی (شایگان، ۱۳۸۸: ۷۲؛ صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ۲-۷)	پیشگیری عملیاتی و داده‌محور (Skogan, 2019: 88)
مشارکت مردمی	بر پایه تکلیف دینی (چشمه سیماب، ۱۴۰۴: ۳)	بر پایه حقوق مدنی (Goldstein, 2013: 120)

۳-۷. تحلیل تطبیقی

در نظام اسلامی، مشروعیت قانون از مبانی شرعی ناشی می‌شود و بنابراین تقویت قانون‌پذیری نیازمند اعتماد دینی- اجتماعی است (احمدی، ۱۳۹۲: ۱)؛ اما در نظام‌های غربی، مشروعیت قانون از مشارکت سیاسی و شفافیت فرآیند قانون‌گذاری حاصل می‌شود و پلیس و قوه قضائیه با افزایش پاسخ‌گویی و استفاده از فناوری، این اعتماد را تقویت می‌کنند (Skogan, 2019: 102). نقطه قوت نظام اسلامی، هم‌افزایی اخلاق و قانون است، در حالی که نقطه قوت نظام‌های غربی، ساختار پاسخ‌گو و نظارت عمومی قوی محسوب می‌شود (Goldstein, 2013: 150).

۸. چالش‌ها و راهکارها

1. Rule of Law
2. Predictive Policing

۸-۱. موانع فرهنگی و اجتماعی در قانون‌پذیری

با مطالعه برخی پژوهش‌ها می‌توان گفت از جمله موانع مهم می‌توان به بی‌اعتمادی عمومی، فساد اداری و نبود آموزش کافی اشاره کرد که موجب کاهش تمایل مردم به رعایت قانون می‌شود (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ص ۷). برخی رفتارهای غیرحقوقی در برخورد مأموران نیز می‌تواند این روند را تشدید کند.

۸-۲. لزوم هماهنگی قوه قضاییه و پلیس در چارچوب فقه

عدم هماهنگی میان دستگاه قضا و پلیس، مشکلات اجرایی و حقوقی فراوانی به وجود می‌آورد. آموزه‌های فقهی بر اهمیت وحدت و انسجام در اجرای عدالت تأکید دارند و این امر باید در سیاست‌گذاری‌های قضایی و انتظامی لحاظ شود (خمینی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۱۲).

۸-۳. استفاده از رسانه و آموزش دینی برای پیشگیری از جرم

رسانه‌های عمومی و آموزش دینی می‌توانند با اطلاع‌رسانی صحیح و آگاهی‌بخشی به جامعه، نقش مهمی در افزایش قانون‌پذیری و کاهش جرم ایفا کنند (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ص ۷-۸). استفاده از زبان ساده و مستند در این آموزش‌ها باعث ارتقای فهم عمومی می‌شود.

۹. چالش‌های اجرایی در تقویت قانون‌پذیری

با وجود اهمیت عملکرد دستگاه قضا و پلیس در افزایش قانون‌پذیری، اجرای این اهداف با چالش‌های متعددی مواجه است. فساد اداری در نهادهای قضایی و انتظامی یکی از مهم‌ترین موانع است که باعث کاهش اعتماد عمومی و افزایش بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به قوانین می‌شود (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۳۴). همچنین، بی‌اعتمادی عمومی به اثرگذاری قوانین و نهادهای اجرایی، موجب می‌شود که شهروندان تمایل کمتری به تبعیت داوطلبانه از قوانین داشته باشند (Eurobarometer, 2023: 14). چالش دیگر، فقدان هماهنگی میان نهادهای مختلف است؛ به طوری که قوه قضائیه، پلیس و سایر نهادهای اجرایی در بسیاری از موارد برنامه‌های پیشگیرانه مستقل و غیرهماهنگ اجرا می‌کنند که از اثربخشی آنها می‌کاهد (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ۸). علاوه بر این، کمبود آموزش تخصصی ضابطان و کارکنان قضایی در مواجهه با جرایم نوین و مسائل پیچیده اجتماعی، مانع از عملکرد مؤثر آنها در تقویت قانون‌پذیری می‌شود (برین، ۱۳۹۴: ۴۵).

۱۰. راهکارهای عملی برای رفع چالش‌ها

مکانیزم‌های شفافیت و پاسخگویی: ایجاد سامانه‌های شفاف گزارش‌دهی و رسیدگی به تخلفات اداری برای کاهش فساد (Tyler & Huo, 2002: 56).
تقویت اعتماد عمومی: برگزاری برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی درباره عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی، به‌ویژه با تکیه بر آموزه‌های فقهی و اخلاقی. همچنین رفتار محترمانه، عادلانه و

قانون‌مدار پلیس موجب افزایش اعتماد عمومی و تمایل شهروندان به همکاری با نهادهای انتظامی می‌شود و در نتیجه سرمایه اجتماعی تقویت می‌گردد (شایگان، ۱۳۸۸: ۷۲). هماهنگی بین‌بخشی: ایجاد شوراها و ستادهای مشترک میان قوه قضائیه، پلیس و سایر نهادهای پیشگیرانه برای هماهنگی اقدامات و برنامه‌ها (صفرزاده و باباخانی، ۱۴۰۰: ۹). آموزش تخصصی و ارتقای مهارت‌ها: برگزاری دوره‌های مستمر آموزشی برای ضابطان و کارکنان قضایی در زمینه مدیریت جرایم نوین و تعامل با جامعه (برین، ۱۳۹۴: ۴۷). اجرای این راهکارها می‌تواند به کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای قانون‌پذیری شهروندان منجر شود و اثربخشی اقدامات پیشگیرانه دستگاه قضا و پلیس را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت قانون‌پذیری در جامعه، یک فرایند پیچیده و چندبُعدی است که نیازمند عملکرد هماهنگ و مؤثر دستگاه قضا و پلیس، در چارچوب آموزه‌های فقهی می‌باشد. ابتدا، عملکرد عادلانه و شفاف دستگاه قضا با رعایت اصول فقهی عدالت و انصاف، منجر به افزایش اعتماد عمومی می‌شود که این اعتماد، زیربنای اصلی قانون‌پذیری است. همچنین، رسیدگی سریع و بدون تبعیض به پرونده‌ها، موجب کاهش احساس بی‌عدالتی و ناامنی در جامعه می‌گردد و به نوبه خود از بروز جرایم جلوگیری می‌کند.

از سوی دیگر، نقش پلیس در حضور مؤثر و اخلاق‌مدارانه در جامعه، ایجاد احساس امنیت و اجرای اقدامات پیشگیرانه، در ارتقای پذیرش قوانین توسط مردم بسیار تعیین‌کننده است. رفتار انسانی و مبتنی بر احترام مأموران پلیس، نه تنها اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد بلکه زمینه همکاری و مشارکت مردم را در پیشگیری از جرم فراهم می‌سازد. یافته‌ها همچنین تأکید دارند که آموزه‌های فقهی، همچون اطاعت از حاکم شرع، اصل امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق شهروندی، چارچوب نظری و عملی مهمی برای جهت‌دهی و ارتقای کارکردهای دستگاه قضا و پلیس فراهم می‌کند. این آموزه‌ها نقش اخلاقی و معنوی را در فرآیند تقویت قانون‌پذیری و پیشگیری از جرم برجسته می‌سازند.

علاوه بر این، تلفیق رویکردهای نوین جرم‌شناسی با آموزه‌های فقهی، امکان توسعه سیاست‌های پیشگیری از جرم را فراهم می‌آورد که هم عدالت و هم کارآمدی را در دستگاه قضایی و انتظامی تضمین می‌کند. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که برای تحقق این اهداف، نیاز به برنامه‌های آموزشی مستمر، بهبود سازوکارهای نظارتی و ارتقای هماهنگی میان قوه قضائیه و پلیس است که همه اینها در بستر آموزه‌های فقهی می‌تواند به نتایج مطلوب منجر شود. همچنین با توجه به داده‌های میدانی و مطالعات موردی بیان شده از سایر پژوهش‌های فوق می‌توان گفت یافته‌های داخلی و خارجی تأکید دارند که قانون‌پذیری نتیجه صرف اعمال قدرت نیست، بلکه حاصل اعتماد، آموزش و تجربه تعامل منصفانه با پلیس و دستگاه قضاست. در ایران، ترکیب سیاست‌های «عدالت رویه‌ای» در قوه قضائیه با «پلیس جامعه‌محور» و «برنامه‌های آموزش حقوقی عمومی» می‌تواند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن احترام داوطلبانه به قانون شود.

تحلیل‌های انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که تقویت قانون‌پذیری جامعه، به عنوان عامل کلیدی در کاهش وقوع جرم و ارتقای امنیت اجتماعی، یک فرآیند چندوجهی است که مستلزم هماهنگی دقیق میان نهادهای قضایی و انتظامی و بهره‌گیری هدفمند از آموزه‌های فقهی می‌باشد. دستگاه قضا و پلیس، به عنوان دو رکن اصلی اجرای عدالت و نظم، تنها زمانی قادر خواهند بود به‌طور اثربخش قانون‌پذیری را ارتقا دهند که عملکرد آنها مبتنی بر عدالت، شفافیت و اخلاق‌مداری باشد.

از منظر فقه اسلامی، اطاعت از قانون عادلانه و اجرای عدالت نه تنها یک وظیفه اجتماعی بلکه یک تکلیف شرعی است که زمینه‌های مشروعیت و مقبولیت نهادهای قضایی و انتظامی را فراهم می‌آورد. این آموزه‌ها، علاوه بر تبیین اهمیت نقش حکومت در حفظ نظم و پیشگیری از جرم، به‌طور خاص بر ضرورت رعایت حقوق شهروندان و برخورد انسانی و عادلانه با آنان تأکید دارند. چنین رویکردی می‌تواند موجب تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی شود که از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های قانون‌پذیری است.

علاوه بر این، سیره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) به عنوان الگوهای عملی عدالت و قانون‌مداری، نشان می‌دهد که تحقق قانون‌پذیری نیازمند فراتر رفتن از صرف اجرای قانون به سمت تعامل مستمر با مردم، آموزش مستدل و پاسخ‌گویی مسئولان است. این ارتباط دوجانبه میان حاکمیت و جامعه، فضای اجتماعی سالم و پویا را ایجاد می‌کند که در آن شهروندان خود را در قبال قانون مسئول و متعهد می‌دانند. همچنین، تلفیق آموزه‌های فقهی با نظریه‌های نوین جرم‌شناسی، می‌تواند چارچوبی علمی و شرعی برای سیاست‌های پیشگیری از جرم ارائه دهد که ضمن حفظ عدالت، کارآمدی سیستم قضایی و انتظامی را افزایش دهد. بهره‌گیری از این دو منظر، راهکارهای متنوعی را برای مقابله با چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و نهادی که مانع قانون‌پذیری می‌شوند، فراهم می‌کند.

در نهایت، برای دستیابی به پیشگیری مؤثر از جرم و ارتقای قانون‌پذیری، لازم است که سیاست‌گذاران، مدیران قضایی و انتظامی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را با محوریت آموزه‌های فقهی تقویت کنند و سازوکارهای نظارت و پاسخ‌گویی را بهبود بخشند تا اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی افزایش یابد. این مسیر می‌تواند به عنوان کلید توسعه پایدار نظام عدالت کیفری و تضمین امنیت عمومی در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادات سیاستی

- * ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی در نهادهای قضایی و انتظامی: ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر و شفاف جهت کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی، از طریق انتشار گزارش‌های عملکرد، فراهم کردن امکان شکایت مردمی و نظارت‌های داخلی و بیرونی مستمر.
- * تقویت هماهنگی و همکاری میان قوه قضاییه و نیروی انتظامی: طراحی و اجرای سیاست‌های مشترک جهت انسجام در اجرای قانون و پیشگیری از جرم، همراه با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی در تدوین برنامه‌های عملیاتی.

- * توسعه برنامه‌های مشارکتی مردمی در پیشگیری از جرم: تشویق و تسهیل نقش‌آفرینی جامعه در نظارت و همکاری با پلیس، با بهره‌گیری از قاعده فقهی «التعاون علی البر و التقوی» و ایجاد کانال‌های ارتباطی موثر و امن.
- * استفاده گسترده از رسانه‌ها و فضای مجازی برای ترویج قانون‌مداری: تولید محتوای فرهنگی و آموزشی با رویکرد فقهی - حقوقی به زبان ساده برای افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت قانون‌پذیری و نقش دستگاه‌های قضایی و انتظامی در حفظ امنیت.

منابع

- قرآن کریم. (۱۴۰۰). ترجمه و تفسیر نمونه. چاپ بیستم. مرکز تحقیقات اسلامی و علوم انسانی.
- نهج البلاغه. (۱۳۹۴). ترجمه و شرح محمد دشتی. تهران: نشر اسوه.
- احمدی، امیر. (۱۴۰۰). تأثیر جهت‌گیری مذهبی در ایجاد تعهد اجتماعی و قانون‌گرایی در بین جوانان شهر اسلام‌آباد غرب. *انتظام اجتماعی*، ۳(۱۳): ۶۷-۹۸.
- http://sopra.jrl.police.ir/article_98269.html
- احمدی، امید. (۱۳۹۲). مشروعیت قانون از دیدگاه اسلام و ماکس وبر. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱(۱)، ۲۲-۱.
- https://clr.modares.ac.ir/article_13674.html
- ابراهیم‌زاده، سهیلا و دارابی، شهرداد و نکونام، وحید. (۱۴۰۱). حقوق پیشگیری از جرم در آموزه‌های دینی و فقهی، مطالعات فقهی و فلسفی، ۳(۱۲)، ۷۸-۹۲.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/aoqjap/Article/860860/FullText>
- برین، نصرت‌الله. (۱۳۹۴). ضرورت و اهمیت آموزش تخصصی به ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با نگاه تطبیقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). حق و تکلیف در نظام اسلامی. قم: اسراء.
- چشمه سیماب، جواد. (۱۴۰۴). دانش آموزان آگاه، جامعه قانونمند: نیاز به آموزش حقوق از سنین پایین، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران.
- <https://civilica.com/doc/2331117>
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- خالقی، علی. (۱۴۰۳). آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش. چاپ اول، تهران.
- خادمی، سید علیرضا. (۱۳۹۸). مبانی پیشگیری از جرم در حقوق اسلامی و مصادیق آن، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه بهار، دوره پنجم - شماره ۱.
- <https://civilica.com/doc/1546912>
- خسروی سهل‌آبادی، مسعود. (۱۳۹۵). حق‌الناس در فقه اسلامی. قم: چشم‌انداز قطب.
- خمینی، روح‌الله. (۱۴۰۸ ق). *تحریر الوسیله*. ج ۲ و ج ۳، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). *مصباح الفقاهه*، (مقرر محمدعلی توحیدی). چاپ چهارم، قم: انتشارات انصاریان.
- رحمت‌اله‌پور، بهرام. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی با رویکرد اصلاح و درمان در قانون مجازات اسلامی، نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت، قم.
- <https://civilica.com/doc/534209>
- کشیری نیسابوری، مسلم بن حجاج أبو الحسن (بی‌تا)، صحیح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- شایگان، فریبا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت، *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۲(۱)، 59-78.
- <https://sid.ir/paper/188828/fa>

- صفرزاده، باقر و باباخانی، علی. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۳۳(۲)، ۱-۹.

<https://csjlp.org/index.php/csjlp/article/view/40>

- طالع‌زاری، علی؛ گلدوزیان، ایرج؛ ابراهیمی، نصیبه. (۱۳۹۷). کارکردشناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۸(۱)، ۱۴۵-۱۶۰.

https://jqclds.ut.ac.ir/article_67471.html

- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزی، سلام؛ پرتوی، لطیف. (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳». مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۸، شماره ۲۹، صفحات ۱۱۳-۱۳۳.

https://journals.iau.ir/article_525196.html

- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۴۰۲). فقه و مصلحت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلارک، رونالدوی و جان، اک. (۱۳۸۸). جرم‌شناسی پیشگیری، ۶۰ رویه و راهکارها برای پیشگیری از جرم، مترجم، مهدی مقیمی، مهدیه تقی زاده. چاپ اول. نشر سازمان زرد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۰ ق.). *الکافی*، ج ۲. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- گودرزی‌فر، مظاهر و دین پرستی، فائز. (۱۴۰۳). تأثیر عملکرد قوه قضائیه در بازتولید اعتماد سیاسی در ایران. دولت پژوهی، ۱۰(۳۹)، ۲۵۳-۲۸۸.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2025.70219.1330>

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحارالانوار*. ج ۷۱. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۲). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
- موسوی‌فرد، سیدمحمدرضا؛ کرمی، عارف؛ مومنی، سجاد و امیدیان‌زاد، رضا. (۱۳۹۶). نقش پلیس در پیشگیری از جرایم: راهکارهای پیشگیری از جرم. نشریه نخبگان علوم و مهندسی، ۶.

<https://elitesjournal.ir/fa/page.php?rid=140>

- نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲ ق.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. ج ۴۰. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- Ashworth, A., & Zedner, L. (2014). *Preventive Justice*. Oxford University Press.
https://books.google.com/books/about/Preventive_Justice.html?id=mJNCAwAAQBAJ
- Brahim, Z, Suud Sarim, K, Andi Istiqlal A, Rina S, and Huseyin O. (2025). "Integration of Maqasid Al-Shari'ah in the Criminal Law Reform to Achieve Justice and Human Dignity". *Jurnal Hukum Islam* 23 (1). Indonesia:105-44.
<https://doi.org/10.28918/jhi.v23i1.04>.
- Braga, A. A., & Weisburd, D. (2019). Focused deterrence strategies and the prevention of violent gun injuries: Practice, theoretical principles, and scientific evidence. *Annual Review of Public Health*, 40, 191-210.
<https://doi.org/10.1002/cl2.1051>
- Brown, B., & Benedict, W. R. (2002). "Perceptions of the Police: Past Findings, Methodological Issues, Conceptual Issues and Policy Implications." *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 25(3),543-580
https://scholarworks.utrgv.edu/cj_fac/139/
- Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach. *American Sociological Review*, 44(4), 588-608.



DOI: [10.2307/2094589](https://doi.org/10.2307/2094589)

- Eurobarometer. (2023). *Public Opinion in the European Union*. Brussels: European Commission.

<https://europa.eu/eurobarometer/screen/home>

- Freiberg, A. (2007). *Crime Prevention: Approaches, Practices and Evaluations*. Federation Press.

https://www.researchgate.net/publication/285933858_Crime_Prevention_Approaches_Practices_and_Evaluations

- Fukurai, Hiroshi. (2019). The Koban System and its role in community policing in Japan. *Asian Journal of Criminology*, 14(1), 85–101.

<https://doi.org/10.1007/s11417-018-9277-4>.

- GAMAAN (2023). *Iranian Public Opinion Survey on Institutional Trust and Law Compliance*. Tehran: GAMAAN Research.

<https://gamaan.org/2023/>

- Goldstein, H. (2013). *Problem-Oriented Policing*. McGraw-Hill.

https://www.researchgate.net/publication/309826891_Problem-Oriented_Policing

Gottfredson, M. R. (2021). *The essential role of cross-national research in criminology*, *International Criminology* 1(1).

DOI: [10.1007/s43576-020-00003-w](https://doi.org/10.1007/s43576-020-00003-w)

- Hammer, Ragnhild. (2017). Open courts and public trust: The Norwegian model. *Nordic Journal of Human Rights*, 35(1), 50–64.

<https://doi.org/10.1080/18918131.2017.1304912>

- Huq, A., Tyler, T., & Schulhofer, S. (2011). *Why Does the Public Cooperate with Law Enforcement?*. *Journal of Empirical Legal Studies*, 8(4), 1–47.

<https://doi.org/10.1037/a0023367>

- Mazerolle, L., Bennett, S., Davis, J., Sargeant, E., & Manning, M. (2013). Procedural justice and police legitimacy: A systematic review of the research evidence. *Journal of Experimental Criminology*, 9(3), 245–274.

<https://doi.org/10.1007/s11292-013-9175-2>

- Murphy, K., & Tyler, T. R. (2008). "Procedural Justice and Compliance Behavior: The Mediating Role of Emotions." *European Journal of Social Psychology*, 38(4), 652-668.

<https://doi.org/10.1002/ejsp.502>

- Pourshariati, J., Shafiei, M., & Ziabari, A. R. (2023). The Role of the Judiciary in Crime Prevention: (With Emphasis on the Criminal Responsibility of Senior Officials). *Rahyaf Journal*, 11(2), 1–10

https://www.rahyaftjournal.ir/article_213181_en.html

- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice (Revised ed.)*. Cambridge: Harvard University Press.

<https://philpapers.org/rec/RAWATO-11>

- Skogan, W. G. (2019). *Community Policing: Can it Work?* Waveland Press.

- Sunshine, J., & Tyler, T. R. (2003). "The Role of Procedural Justice and Legitimacy in Shaping Public Support for Policing." *Law & Society Review*, 37(3), 513-548.

<https://www.jstor.org/stable/1555077>

- Tilley, N. (2009). *Crime Prevention*. Cullompton, UK: Willan Publishing.

- Tyler, T. R. (2006). *Why People Obey the Law*. Princeton University Press.

- Tyler, T. R., & Huo, Y. J. (2002). *Trust in the Law: Encouraging Public Cooperation with the Police and Courts*. New York: Russell Sage Foundation.

DOI: [10.1177/0734016807310602](https://doi.org/10.1177/0734016807310602)

- Tyler, Tom R., & Jackson, Jonathan. (2014). Popular legitimacy and the exercise of legal authority: Motivating compliance, cooperation and engagement. *Psychology, Public Policy, and Law*, 20(1), 78–95.

<https://doi.org/10.1037/law0000001>

- Uslaner, E. M. (2018). *The Oxford handbook of social and political trust*: Oxford University Press.